

باسمه تعالی

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

عنوان اقدام پژوهی :

چگونه توانستم آسیبهای اجتماعی ناشی از تعلیم و تربیت نادرست

والدین لیلا را در رفتارهایش تقلیل کنم؟

(محور روش های کاربردی در تعلیم و تربیت)

نام و نام خانوادگی مولف اول / مجری اصلی : معصومه جداری زارع زاده

پست سازمانی : مشاور

آخرین مدرک تحصیلی: دکترای روانشناسی

دوره تحصیلی : متوسطه

سمت فعلی: مشاور تحصیلی

شماره پرسنلی : ۵۱۳۰۰۰۳۸

مدرسه: شهید حدادی

ناحیه : ۳ تبریز

شماره همراه: ۰۹۱۴۳۱۵۲۵۶۱

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

تشکر و قدردانی:

بر خود لازم می دانم از تمامی کسانی که در روند پژوهش مرا یاری کرده اند ، تشکر نمایم.

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

فهرست مطالب

۴.....	چکیده
۴.....	مقدمه
۵.....	بیان مساله
۶.....	شواهد ۱
۹.....	تجزیه و تحلیل داده ها
۱۱.....	اجرای راه حل جدید و نظارت برآن
۱۳.....	شواهد ۲:
۱۴.....	ارزیابی نتایج
۱۵.....	پیشنهادات
۱۶.....	منابع و ماخذ

چکیده

در این مقاله پژوهشی سعی شده است تا از یکی از مشکلات کودکان استثنایی به خصوص کودکان ناشنوا پرده برداری شود. کودکان معلول، فرزندان گمنامی هستند که در بسیاری از زمانها از شناسنامه تعلیم و تربیت به دور افتاده اند هرچند که دولتها قوانین ویژه ای را برای حمایت از آنها وضع کرده اند اما هنوز هم در مورد این کودکان فرهنگ سازی نشده و قانون مهرورزی برایشان اعمال نمی شود لیلیا از جمله همین کودکانی بود که درگیر و دار شخصیت تحقیر شده کاذب خانواده خود در بسیاری از موارد رها شده و از لحاظ رفتاری می رفت تا رشته زندگی را از دست بدهد که با حمایتها و مهربانیهای معلمین و با برنامه ریزیهای که در این پژوهش به کار گرفته شد گره کور زندگی باز شده به خانواده درمانی پرداخته شد و به آغوش مهربان زندگی بازگشت. اینجانب معصومه جداری زارع زاده، مشاور متوسطه، تصمیم گرفتم با پیدا کردن راه حل های مناسب و ابتکاری برای حل مشکل دانش آموزم اقدام کنم.

مقدمه

اگر بخواهم تعریفی ساده از آموزش و پرورش ارائه دهم آنرا زیربنای محکمی برای تربیت فرزندان قلمداد می کنم فرزندان نسل به نسل دنیا به آنها به یادگار رسیده و از انسانی اولیه به انسانی فناورانه تبدیل شده این در واقع هوشمندی فوق العاده انسان را در عرصه های تربیتی می رساند معلم هنر هوشمند ساختن و شکوفا نمودن سلول های به خواب رفته انسان است تا راه کمال خود را به سوی حقیقت پیدا کند. من به عنوان مشاور مدرسه که سالهای طولانی در این سمت مشغول خدمت هستم خیلی مسائل از درد و رنج و مشکلات دانش آموزان دیدم و بسیار علاقه دارم تا از طریق ارتباط مستقیمی که با آنها دارم یک مورد مهم از انبوه مشکلاتی را که دارند بیان کنم.

تربیت فرزندان از اهمیت زیادی برخوردار است و این مهم بر هیچ کسی پوشیده نیست. کوچکترین چشم پوشی و کمترین کوتاهی در امر تربیت معلوم است. کودکان را در معرض خسارتهای جبران ناپذیری قرار می دهد وقتی صحبت از یک دهکده جهانی پیش می آید یعنی فرزندان ما در این دنیا در معرض تمام

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

گرددادهایی قرار دارند که ممکن است در اثر اشتباهاتی هر چند کوچک ، آینده مملکتی و یا فرهنگ و تمدنی بزرگ به دست هایی بی کفایت سپرده شود. پس بنابراین اهمیت تعلیم و تربیت درست از طرف خانواده ها و نظام تعلیم و تربیت روشن و آشکار می گردد.

دانش آموزان استثنائی از لحاظ تعلیم و به خصوص تربیت نیاز به مراقبتهای ویژه ای دارند می توانم به جرات بگویم که وضعیت آنها اورژانسی است در این میان وجود کودک استثنائی و معلول برای خانواده ها هم موضوعی بغرنج است چرا که آنها نمی توانند خود را با معلولیت فرزندانشان وفق دهند و تعارضات و تشنجات خانوادگی و شخصیتی را سبب می شوند که در این میان نقش اطرافیان و فامیلها و معلمان این کودکان حساس می شود تا به عنوان همراهی و همدلی و همیاری باری بزرگ را از دوش این خانواده ها بردارد و آنها را در دریای متلاطم زندگی تنها رها نکند. چه خود این کودکان در بزرگسالی به مدارج عالی می رسند و خودسان افرادی روشنفکر و صاحب نظر می گردند.

دانش آموزان ناشنوا هم به عنوان گروهی که از مشکل شنوایی بی بهره اند دارای مسائل عدیده ای هستند من در این مقاله سعی نمودم تا مشکل لیلا یکی از دانش آموزان مدرسه را که مشکل بزرگی برای همه معلمان و دوستانش شده بود بازگو کنم و آنرا در قالب اقدام پژوهی به رشته تحریر درآورم. اینجانب معصومه جداری زارع زاده به عنوان مشاور در آموزش و پرورش در حال خدمت هستم و در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ ، تصمیم گرفتم در پژوهش خود بر روی این مسئله کار کنم.

بیان مساله

لیلا دانش آموز کلاس اول متوسطه است دانش آموزی که معلولیت نیمه شنوایی دارد با سمعک می تواند بشنود و می تواند صحبت کند اما در این بین مسائلی در طی این ۴ سالی که در مدرسه ما درس می خواند به وجود آمد که باعث شد تا نگاهم به طرف او منعکس شود واز رفتارهای خاص او سر در بیاورم و علت همه رفتارهای غیر عادی را در مدرسه و بیرون از آن کشف کنم لیلا خوب حرف می زند. یعنی هر کس حتی افراد عادی که با زبان اشاره و نحوه رابطه با ناشنوایان بیگانه اند می توانند با او رابطه برقرار کنند. در خانواده

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

ای متوسط زندگی می کند لیلا داش آموزی است که بسیار دروغگو بود زیاد اهل درس و مدرسه نیست. همکاری که در سرویس مدرسه با او هستند اظهار می کردند که فقط صحبت می کند و خیلی هم رابطه صمیمانه ای با راننده باز کرده است. اما این رابطه اصلا جنبه نامشروع نداشت راننده سرویس خیلی مرد باتجربه ای بود و هم اینکه لیلا اول از سایر دانش آموزان و معلمان پیاده میشد و صبح هاهم آخر از همه سوار می شد.

معلمان کلاس بیان می کنند که نمراتش خیلی پایین است فقط سر کلاس حرف می زند و در حین تدریس هم تمرکز معلمان را به هم می زند در کلاس می خوابد حتی من می دیدم که در زنگهای دوم و سوم همکاران مراجعه می کردند که لیلا در کلاس نیست و من وقتی می گشتم می دیدم که در نمازخانه خوابیده است. خانواده های دوستان و هم کلاسیهایش از رفتارهای او گله داشتند مرتب شب و روز به منازل آنها زنگ می زد و ادعا می کردند که وقت و بی وقت نمی شناسد. حتی در چند مورد به منزل دوستانش بدون دعوت رفته بود و تا عصر خانه آنها مانده بود گاهی وقتها داستانهای نامناسبی را برای دوستان و همکلاسی هایش بازگو می کرد. بعد از این همه مسئله و مسائلی مشابه آن این سوال برایم پیش آمد که ریشه همه این همه تعارض و نابسامانی رفتاری لیلا چه چیزی می تواند باشد؟

چگونه توانستم آسیبهای اجتماعی ناشی از تعلیم و تربیت نادرست والدین لیلا را در رفتارهایش تقلیل کنم؟

کلید واژه ها: آسیبهای اجتماعی، تعلیم و تربیت ، والدین ، مشاوره

شواهد ۱

تعلیم یا آموزش:

این واژه در لغت نامه دهخدا به معنی آموختن، آگاهانیدن، کسی را چیزی آموختن، آموزانیدن و... آمده است.

تربیت یا پرورش:

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



در همان جا به معنی پروراندن، پروردن، پروردن و آموختن معنی شده است.

معنای تربیت در یک عبارت اینست: «روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.» کسی را تربیت کردن یعنی این که روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود. تربیت در بُعد اخلاقی این است و اگر ملکه ذهن شد، بدین معنی است که هر وقت کاری انجام دهد بر اساس روش رفتاری و گفتاری می‌باشد که مربی به وی آموزش داده است.

اینجاست که می‌گویند: «مربی او را تربیت کرده است.» تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می‌شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه شناختی دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می‌شود. گاهی نیز جنبه کنشی یا حرکتی دارد که به رفتار و اعمال عینی انسان که اغلب دارای مظاهر جسمانی هستند مربوط می‌گردد و بالاخره گاهی جنبه گرایشی یا عاطفی دارد که با نگرش، اعتقاد، ایمان و علائق، احساسات انسان مرتبط است.

تربیت در جریان زندگی انسان نقش مهم و اساسی دارد. گذشته از مسئله فن، هنر، یا علم بودن تربیت که زمینه‌های مناسبی برای اختلاف نظر در مورد ماهیت تربیت هستند. زمینه‌های دیگری نیز برای اختلاف نظر صاحب نظران تربیتی وجود دارند. عناصری که در یک جریان تربیتی مداخله می‌کنند از جمله آن‌ها است. یکی از این عناصر مورد اختلاف، جامعه و دخالت آن در جریان تربیتی می‌باشد. بدین معنی که بعضی از متخصصین تربیتی علاوه بر مربی جامعه را نیز جزء عناصر تربیت محسوب می‌کنند.

بنابراین، ارائه یک تعریف جامع از تربیت قدری مشکل به نظر می‌رسد. برای همین اغلب کسانی که در این راه تلاش کرده یا می‌کنند، بالاخره یا به تعریف تجویزی یا قیدی از تربیت روی می‌آورند و یا مانند فلاسفه پیرو مکتب تحلیل زبان به جای تعریف معین از تربیت به تحلیل و تبیین مفهوم آن با توجه به مصادیق می‌پردازند. گروه دیگری هم وجود دارند که تعریف معین و مشخص از تربیت را ممکن می‌دانند؛ آن‌ها عقیده دارند برای این که بین تربیت نظری و تربیت عملی تناسب و هماهنگی وجود داشته باشد لازم است تعریف

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

روشنی از تربیت به دست داد. بعضی نیز مانند پیترز از ملاکها و معیارهایی سخن می‌گویند که بتوانند آن را از سایر فعالیت‌ها جدا کنند.

پیترز عقیده دارد که تربیت مستلزم:

- انتقال ارزش‌هایی است که افرادی آن‌ها را پذیرفته‌اند و می‌خواهند به دیگران منتقل نمایند.
- شناخت و معرفت موثر است.
- کاربرد روش‌های خاص برای انتقال معرفت و ارزش می‌باشد.

در واقع پیترز تربیت را فرایندی می‌داند که دارای محتوی و روش است. از سویی دیگر در زبان فارسی، هر دو کلمات تعلیم و تربیت هم در مورد انسان و هم در مورد حیوان به کار می‌روند؛ حتی تربیت درباره گیاهان نیز کاربرد دارد. اما کلمه در مورد انسان دارای کاربرد عمیق‌تر و وسیع‌تری است. در مفهوم لغوی به کار بردن کلمه تربیت از پرورش عضلات بدن تا کمالات معنوی را شامل می‌شود.

بنابراین آنچه از واژه تربیت استنباط می‌گردد، اینست که تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می‌شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه شناختی دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می‌شود، گاه نیز جنبه کنشی یا حرکتی دارد که به رفتارها و اعمال عینی انسان که اغلب دارای مظاهر جسمانی هستند مربوط می‌گردد. بالاخره گاهی جنبه گرایشی یا عاطفی دارد، که با نگرش، اعتقاد، ایمان و علائق، احساسات انسان مرتبط است.

مدیریت تربیت انسان و نقش مربی مهم‌تر از آن چیزی است که طبیب در معالجه بدن به عهده دارد. راه تربیت را باید از فطرت انسان آغاز کرد که آفرینش خداوند است و آنچه به عنوان عامل یا روش تربیت جسم و روح انسان را متاثر می‌سازد هنگامی می‌تواند رشد و تعالی او را باعث شود که تناسب و تطابق با این زمینه‌های فطری داشته باشد.

در دنیای امروز، پیشرفت علوم ریاضی، طبیعی و انسانی قدرت و توان بشر را افزایش چشمگیری بخشیده. این موضوع را از جمله در علوم تربیتی و روان‌شناسی شاهد هستیم. به همان نسبت که تعلیم و تربیت امروز

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

دقیق تر و گسترده تر عمل می کند، خطر تاثیرات آسیب زا و تباه کننده اش بیشتر است به مانند زخمی در بدن که اگر افراد غیرمتخصص و ناآشنا آن را دستکاری و معالجت نکنند، امید بیشتری برای بهبود آن وجود دارد تا هنگام شکافتن و پاره کردن بافت های آن عضو. یکی از وظایف روان شناسی و تعلیم و تربیت در زمان حاضر نیز این است که به والدین، معلمان هشدار دهد تا مراقب باشند چگونه با فرزندان رفتار نکنند و چگونه آنها را تعلیم و تربیت ندهند و تربیت نکنند. اولیاء و مربیان دلسوز گاهی اوقات به خاطر سخت گیری ها، دلسوزی های بیش از حد، پیش رسیهای شتاب آمیز و ناشی گری ها، طبیعت کودک را علی رغم میل باطنی به انحراف می کشانند (دکتر عبد العظیم کریمی ، تربیت آسیب زا)

در این میان من با تمرکز بر مشاهدات و گفتگوهای همکاران و همکلاسیهایم دریافتم که لیلا:

۱- در خواندن درسهایش ضعیف است.

۲- تمرکزی بر درسهای کلاسی ندارد .

۳- با معلمان کلاس به شیوه ای کاملا بی ادبانه رفتار می کند .

۴- علاقه ای به ماندن در کلاس ندارد و بیشتر دوست دارد که از کلاس درس و درس خواندن طفره برود.

۵- بیشتر به انجام کارهای تدارکات علاقه دارد .

در گفتگوها و مصاحبه هایی که با خانواده اش داشتم دریافتم که خانواده لیلا هنوز مشکل ناشنوایی او را باور ندارند و این حقیقت را که هر چند تلخ می نماید نیز پذیرفته اند. مادرش خیلی با آرامش اظهار می داشت که مرتب با دخترش درگیری دارد اومی گفت خیلی وقتها که به مهمانی می رویم یا مهمانی به خانه می آید من که از دست رفتارهای لیلا خسته شده ام . او ادعا می کرد که در فامیلش هیچ کس مثل لیلا نیست و او از داشتن چنین دختری خجالت می کشد.

تجزیه و تحلیل داده ها

دلایل زیادی وجود داشت که مشکل لیلا را بغرنج می کرد خانواده ای که از زمان تولدش و فهمیدن مشکل ناشنوایی او بنای ناسازگاری زدند و او را در موقعیتهای خاصی که باید تربیت صحیح را یاد می گرفت و رفتار

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

حسنة را از والدینش می آموخت به فردی ساده لوح ، غیر اجتماعی و درگیر با خود تبدیل کردند. پدر و مادری که او را از خود راندند تا نتواند از لحاظ شخصیتی رشد کند و از بعد اجتماعی بارور شود دانش آموزی که معلمان در طول سالها از او غفلت ورزیدند و او را در بین تمام مشکلاتش تنها گذاشتند.

الگوی شش پرسش

۱- چرا؟ علت اصلی رفتارهای رها شده لیلا چه بود؟
 -من می توانم به جرات بگویم : لیلا پدری و مادری داشت که هیچ عشقی به او نداشتند.
 -او را تا پاسی از شب با انواع شبکه های مجازی تنها می گذاشتند.
 -به او اجازه می دادند تا هر وقت و هر کجا که دلش می خواست به مهمانی برود.
 -پدرش ، به عنوان رئیس خانواده مدیر مسولی برای زن و فرزندش نبود.
 -لیلا ناشنوا بود و باید که وقت زیادی برای تربیتش صرف می شد در حالیکه هیچ کس حوصله او را نداشت.
 -معلمان بیش از آنکه به روحیات و دلایل رفتاریش پرداخته و به آسیب زدائی پردازند. بیشتر در صد بودند، تا او را از سر بردارند.

۲- چگونه؟ در هنگام برخوردهای ارتباطی و زندگی خانه و مدرسه این مشکل وجود دارد.

۳- چه کسی؟ لیلا دانش آموز کلاس اول متوسطه

۴- چه چیزی؟ آسیبهای رفتاری و روحی ، شخصیتی

۵- چه موقع؟ در زنگهای کلاسی و زنگ تفریح ، و کلا در زندگی شخصی و تحصیلی

۶- کجا؟ در مدرسه و بیرون از مدرسه

انتخاب راه جدید به صورت موقت :

۱- مصاحبه و مشاوره با خانواده لیلا و بیان مشکل او با ایشان

۲- صحبت با دبیران دینی و قرآن و پرورشی مدرسه برای کشاندن لیلا به سمت اعتقادات دینی و مذهبی

۳- صحبت با دوستان لیلا برای اهمیت دادن به او و کناره گیری از او زمانی که در مورد شبکه مجازی و فیلمهای مجازی سخن می گوید.

۴- تشویق لیلا برای زمانهایی که در سخنانش اداب سخن گفتن را رعایت می کرد .

۵- دادن مسولیتهایی به او که باعث می شد نتواند از کلاس درس فراری شود.

۶- خانواده درمانی

اجرای راه حل جدید و نظارت بر آن

روشی که من برای حل مشکل لیلا انتخاب کردم خانواده درمانی بود. خانواده، یک گروه طبیعی است با اهداف و نقشهای بسیار که برای همه اعضای خانواده مهم و ضروری است. همچنین خانواده، یک گروه قوی و سازمان یافته است که درمان گر را به خاطر اهدافی که در سیاست و فرآیند آن نهفته است به خدمت می گیرد. لذا در خانواده درمانی، درمان گر با یک گروه طبیعی مواجه است که باید به نوعی در آن وارد شده و آن را تحت تاثیر قرار دهد؛ که این کار احتیاج به دیپلماسی قابل ملاحظه و مهارت های اجتماعی ضروری برای درمان گر دارد. شاید بتوان گفت: خانواده درمانی یک روش سیستماتیک مداخله درمانی است که هدف آن، رفع اختلالات پیچیده و متقابل عاطفی در گروه خانواده است. خانواده درمانی، در واقع صحنه برخوردهای انسانی (human drama) است و در جستجوی حقایق اساسی بشری است و بالاتر از همه در پی التیام زخمها و ضعف های خانواده است. لذا مسئولیت عمده خانواده درمانی از این قرار است: بالا بردن احساس همبستگی و وحدت خانواده، فعال کردن نقش طبیعی خود در شفابخشی (self-healing) خانواده، و تجربه ای که راه را برای رسیدن به یک گروه طبیعی واقعی باز می کند (هی لی جی، روان درمانی خانواده).

خانواده درمانی، نوعی گروه درمانی است که در آن، واحد درمانی، هسته خانوادگی است و در جلسات درمانی یک یا چند درمان گران تمام اعضا خانواده (یابخشی از آنها) سروکار دارند و هدف از آن حل و فصل یا تخفیف تعارضات بیماری زا و اضطراب در درون واحد خانواده است.

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

روان‌درمانی خانواده بر این نظریه مبتنی است که، خانواده نماینده سیستمی است که سعی در حفظ تعادل دارد. مهم این است که این سیستم تا چه حد غیرانطباقی بوده باشد. این نظریه اصطلاحاً گرایش به سیستم‌های خانواده نامیده می‌شود و روش‌های مربوط به آن بیشتر شامل تمرکز بر خانواده است، تا یک بیمار خاص.

درواقع خانواده‌درمانی، شکلی از درمان کل خانواده به عنوان یک گروه است که توسط یک یا دو درمان‌گرانجام می‌شود. در این نوع درمان، آسیب‌شناسی یا بیماری یکی از اعضای خانواده، انعکاس پاتولوژی یا اختلالات عمیق‌تر در سیستم خانواده تلقی می‌شود. لذا خانواده واحد درمانی به حساب می‌آید و تغییر تعامل خانواده، راه تغییر عضو بیمار محسوب می‌شود.

به طور کلی خانواده‌درمانی به شکل زیر عمل می‌کند:

- هیچیک از اعضای خانواده به عنوان بیمار، متمایز و مشخص نمی‌شود؛ در عوض این کل اعضای خانواده هستند که آشفتگی و پریشانی خانواده را انعکاس می‌دهند.
- اعضای خانواده رابه طور فردی درمان نمی‌کنند، بلکه کل اعضا باید مشترکاً در جلسات درمانی حضور داشته باشند.

- تشخیص اختلال عاطفی یا رفتاری، مبنی بر مشاهدات خانواده به عنوان یک واحد، صورت می‌گیرد. مفاهیم تشخیصی جدید در این درمان به کار می‌روند. نظریه‌ها و مفاهیم سنتی که عملکرد تشخیصی را جهت توضیح رفتار فردی، توصیف می‌کنند، معمولاً برای تشخیص و درمان آسیب‌شناسی خانواده مناسب نیستند.

- درمان‌گر با کل اعضای خانواده به جای یک فرد خاص ارتباط دارد. اگر درمان‌گر در ملاقات با خانواده آن رایک واحد فرض کند، اما فقط به درمان یک عضو پردازد، در واقع به خانواده‌درمانی نپرداخته است.

- اهداف و روش‌های درمانی، خانواده‌محور هستند، یعنی اطراف خانواده سیر می‌کنند. درمان‌گر، به منظور رفاه کل خانواده، ابتدا به پیامد درمان می‌پردازد. در واقع خانواده‌درمانی، چیزی بیش از یک تکنیک درمانی جدید است و این درمان در حقیقت رویکردی کاملاً بدیع و نو برای درک رفتار انسان است. پیش از ظهور

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

خانواده درمانی، رفتار، محصولی از شخصیت‌های افراد تلقی می‌شد که تحت تاثیر رویدادهای مجزای گذشته قرار گرفته بودند. این فلسفه مبنی بر علیت خطی است، در حالی که نظریه‌ای که رفتار را نشأت گرفته از سیستم خانواده می‌داند، بر علیت حلقوی استوار است (مصطفی تبریزی).

لیلا از داشتن خانواده ای ضعیف رنج می برد خانواده اش که هنوز بعد از گذشت ۱۵ سال هنوز هم به مشکل ناشنوایی او عادت نکرده بودند و به سرکوب هویت لیلا و ترور شخصیتش خواسته و ناخواسته دامن می زدند. خانواده ای که کودکی را در دامن شبکه های مجازی رها می کردند تا از ارتباط با او رها شوند و پدر و مادری که بدون احساس مسولیت خانوادگی و والدینی فرزندشان را به منزل آشنایان و دوستان می فرستادند.

ابتدا چندین بار با خانواده لیلا قرار ملاقات گذاشتم و ایشان را به مدرسه دعوت کردم ما با هم در مورد خیلی از مسائل و مشکلات رفتاری لیلا صحبت کردیم من بروشورهایی را از معایب مجازی و شبکه های اینترنتی برایشان نشان داده و توضیح دادم به آنها در مورد شکایت دبیرانش و دوستانش صحبت کردم و در مود آینده لیلا به آنها هشدار دادم. سپس آنها را به کارگاه ها بردم به آنها نشان دادم که کودک ناشنوا هم می تواند کارهای ارزنده ای انجام دهد. نقاشیها و تابلوهای دانش آموزان را نشانشان دادم از دوخت و دوزهای کارگاه خیاطی بازدید کردند و من نور امید را پس از هر بار در چهره آنها می دیدم آنها را به کانون ناشنوایان معرفی کردم تا خودشان از نزدیک با آنها ملاقات کنند و بعضی وقتها از دانش آموزانی که ازدواج می کردند، و ما را دعوت به عروسیشان می کردند مادر لیلا را با خود به همراه می بردیم. اما باتمام این موارد لازم بود که خانواده لیلا با دکتر روانشناس یا مشاور هم دیداری داشته باشند که ما از طرف مدرسه آنها را به هسته مشاوره معرفی کردیم

شواهد ۲:

۱- همکاران اعلام می کردند که لیلا با اشتیاق به درسش میرسد و در کلاس درس حاضر می شود .

۲- دیگر در کلاس نمی خوابید و از فیلمهای مجازی چیزی تعریف نمی کرد .

۳- پرحرفی هایش را کنار گذاشته بود.

۴- با ادب و با اخلاق با همکلاسیها و دوستان و معلمان رفتار می کرد .

۵- مادرش زود به زود برای پیگیری امور اخلاقی و درسی فرزندش به مدرسه مراجعه می کرد .

ارزیابی نتایج

مهم است که ما برای فرزندانمان وقت صرف کنیم آنها را در هر موقعیتی که هستند دوست داشته باشیم و به خواسته هایشان ارج بگذاریم. روایات بسیاری ، بر این نکته تاکید می کنند که کودکان بر فطرت پاک توحیدی آفریده شده اند و این پدران و مادران هستند که می توانند ، فطرت را شکوفا سازند و آنان را به سر منزل رستگاری و سعادت برسانند و یا فطرت آنان تغییر داده و آنان را به شقاوت و بدبختی بکشانند .

امام صادق (ع) می فرماید : «هر نوزادی بر فطرت خدانشناسی و توحید متولد می شود و این پدر مادر او هستند که وی را یهودی ، مسیحی و یا مجوسی می گردانند .»

زراره می گوید : از امام صادق (ع) درباره معنای فطرت در آیه شریفه : «فطرت الاهی که مردم بر آن آفریده شده اند» ، پرسیدم ؛ امام (ع) در پاسخ فرمود : «منظور این است که خداوند متعال ، مردم را بر سرنوشت خدانشناسی آفریده است . اگر زمینه ها و روش ها به درستی به کار گرفته شود ، نوزاد همراه با رشد جسمی ، و ظاهری ، اندک اندک ، با فطرت خدادادی خود به سوی کمال و زیبایی قدم می نهد و سعادت خویش ، پدر ، مادر و جامعه را تامین می کند. اما اگر این فطرت پاک از مسیر خود منحرف گردد، اندک زمانی بیش نمی گذرد که بازگشت به راه درست، سخت و دشوار می شود. آن گاه پدر و مادر، متوجه اشتباهات گذشته خویش می شوند ؛ ولی ممکن است، بسیار دیر شود و فرصت ها از دست بروند .»

گاهی، تنبه کردن، کودک را درچار کاهش اعتماد به نفس می کند ؛ در این صورت ، باید با ارتباط بیش تر ، سخنان محبت آمیز، همراهی با کودک در بازی و انجام کارها، اعتماد به نفس او را تقویت کرد. باید به او اعتماد و اطمینان داد که دیگر از این راه تنبیه نمی شود تا اضطراب و ترس او از بین برود و شخصیت تحقیر شده ، کم کم به سوی شخصیت توانا و با ثبات قدم بردارد و از طغیان و سرکشی او کاسته شود شخصیت

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

کودک در اوایل وجود، هنوز شکل نگرفته و برای هر یک از سعادت و شقاوت قابلیت دارد، از آن جایی که آینده هر فردی به کیفیت پرورش او بستگی دارد، پس کار بزرگ بر عهده پدر و مادر نهاده شده است، اصولاً پدر و مادر انسان ساز و کمال آفرینند و بزرگ ترین خدمتشان پرورش فردی خوش اخلاق، خیرخواه، عدالت خواه، دانا و درستکار و ... می باشد.

به طوری که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید: «بهترین چیزی که پدر می تواند به فرزندش عطا کند ادب و تربیت نیکوست».

پدر و مادری که در زمینه تربیت کودک خویش سستی نمایند دچار خیانتی بزرگ شده اند، به علاوه پدر و مادر در برابر اجتماع نیز مسئولند، زیرا کودکان امروز مردان و زنان آینده اند، تا جایی که موضوع تربیت را نیابد ناچیز شمرد، کوشش و فداکاری های یک پدر و مادر در تربیت فرزند از کار صدها استاد و مهندس ارزنده تر می باشد

موانع و محدودیتها :

۱- اجتناب خانواده لילה از رودر رو شدن با مسئله

۲- نبودن منابع و اطلاعات کافی برای همکاران و اولیاء مدرسه

۳- معلولیت ناشنوایی لילה و عدم درک بسیاری از مفاهیم تربیتی

۴- وقت گیر بودن پژوهش و نداشتن زمان کافی

پیشنهادات

به دلیل اینکه بسیاری از کودکان استثنایی از مشکل سرخوردگی والدین رنج می برند بسیار بجاست که با تشخیص مشکل معلولیت خانواده های این کودکان تحت آموزشهای خانوادگی قرار گیرند تا در آینده فرزندان سرحال و شاداب توام با اخلاق حسنه تحویل جامعه شود. باید در مدارس استثنایی امر آموزش خانواده مهم تلقی شده و به چشم پوشی از تعداد دانش آموز حتما مشاورانی خبره و کار بلدبه خدمت

کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

گماشته شوند. دولت باید از هر لحاظ این کودکان را تحت پوشش مادی و معنوی خود قرار دهد تا آسیبی متوجه این کودکان نگردد که مشکل معلولیت برای این فرزندان کافی است.

منابع و ماخذ

- هی. لی. جی؛ روان‌درمانی خانواده، باقر ثنایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳، چاپ نهم، ص ۲۰ و ۲۱.
- اسدی نوقابی، احمدعلی؛ بهداشت روان ۲، تهران، بشری، ۱۳۸۴، چاپ پنجم، ص ۵۹.
- تبریزی، مصطفی؛ فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی، تهران، فراروان، ۱۳۸۵، چاپ اول، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.
- کریمی، عبدالعظیم: تربیت آسیب‌زا، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان. ۱۳۷۳.